



12

Vol. 3
Winter 2023

Research Paper

Received:
13 January 2024
Revised:
16 September 2024
Accepted:
18 September 2024
Published:
05 October 2024
P.P: 73-100

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



Scientific Journal of American Strategic Studies

The Islamic Republic of Iran and the United States of America: Strategic Confrontation in the West Asia Region

Rahbar Tale'i Hoor¹

DOR: 20.1001.1.28210247.1403.3.4.4.1

Abstract

The relations between the Islamic Republic of Iran and the United States of America after the victory of the Islamic Revolution in Iran have been among the most sensitive and, at the same time, complex types of international relations between countries. The behavioral pattern of both sides over the past four decades has been one of conflict. The United States, over the past decades, has employed various strategies to confront the Islamic Republic of Iran, one of which has been containment. Therefore, the main objective of this article is to examine the components of the strategic confrontation of the U.S. in the framework of the containment strategy and the counter-policies of the Islamic Republic of Iran. In line with this objective, the main question of the article is posed as: What components did the U.S. containment strategy toward Iran consist of, and what has been its outcome? This research is qualitative, and the method employed is documentary study based on a descriptive-analytical approach. Furthermore, library sources and internet searches have been used for data collection. The findings of the research indicate that containing Iran after the Islamic Revolution has always been one of the main pillars of U.S. policy in the West Asia region. Recent regional developments show that the containment strategy toward Iran has failed, and Iran's effective presence and influence in the region have not only not decreased but have, in fact, increased day by day.

Keywords: United States of America, Islamic Republic of Iran, Containment Strategy, Responsibility Shifting, Balancing.

1. Corresponding Author: Associate Professor, Department of International Relations, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran
taleihur10@gmail.com

Cite this Paper: Tale'i Hoor' R, The Islamic Republic of Iran and the United States of America: Strategic Confrontation in the West Asia Region . American strategic studies, 12(3), 73–100.

10



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا: تقابل راهبردی در منطقه غرب آسیا

رهبر طلعی حور^۱ ID

۱۲

سال سوم
زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴

صص: ۱۰۰-۷۳

شابا چاپی: ۰۲۴۷-۲۸۲۱

الکترونیکی: ۴۷۴۳-۲۷۸۳



چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از حساس‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین نوع روابط کشورها در نظام بین‌الملل بوده و الگوی رفتاری دو طرف در طی چهار دهه گذشته الگوی تعارضی بوده است. آمریکا در طول دهه‌های گذشته انواع راهبردها را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته که یکی از آنها مهار بوده است. بنابراین هدف اصلی در این مقاله بررسی مؤلفه‌های تقابل راهبردی آمریکا در قالب راهبرد مهار و سیاست‌های مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران است که متناسب با هدف، سؤال اصلی مقاله به این صورت مطرح می‌شود که راهبرد مهار ایران از سوی آمریکا از چه مولفه‌هایی برخوردار بوده و چه نتیجه‌ای داشته است؟ این پژوهش از نوع کیفی و روش انجام آن مطالعه اسنادی مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی می‌باشد، همچنین از منابع کتابخانه‌ای و پویش اینترنتی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر این امر است که مهار ایران بعد از انقلاب اسلامی همواره یکی از محورهای اصلی سیاست آمریکا در منطقه غرب آسیا بوده و تحولات منطقه‌ای در سال‌های اخیر نشان می‌دهد راهبرد مهار ایران با شکست مواجه شده و حضور و نفوذ مؤثر ایران در منطقه نه تنها کاهش نیافته بلکه روز به روز افزایش نیز یافته است.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، راهبرد مهار، احاله مسئولیت، موازنه‌سازی.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

taleihur10@gmail.com

استناد: طلعی حور، رهبر. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا: تقابل راهبردی در منطقه غرب آسیا، ۱۲(۳)، ۱۰۰-۷۳

DOR: 20.1001.1.28210247.1403.3.4.4.1.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

ایران با موقعیت جغرافیایی فوق‌العاده راهبردی، یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه غرب آسیا و خلیج فارس است. عوامل مؤثر بر موقعیت ژئوپلیتیک ایران اعم از عوامل ثابت یا غیر ثابت، تاریخ، فرهنگ و سیاست باعث شده تا در طول تاریخ به‌عنوان یک قدرت مهم و تأثیرگذار بر روندهای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی به‌شمار آید و به همان میزان نیز مورد توجه قدرت‌های بزرگ واقع شده است.

وقوع انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های جهانی و اهداف ضدامپریالیستی، در منطقه راهبردی غرب آسیا، باعث شد نظام هنجاری، فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدیدی در کشور حاکم شود که این تغییرات مهم، زمینه‌ساز الگوی رفتاری متفاوت نسبت به گذشته شده است. رویکرد تغییر وضع موجود و ماهیت انقلابی نظام حاکم در ایران موجب شده است برخی قدرت‌های بزرگ در برابر این نظام سیاست تقابلی را بکار بگیرند و الگوی رفتاری تعاملی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در روابط ایران و آمریکا حاکم بود جای خود را به الگوی تعارض و واگرایی داده است که با گذشت چندین دهه، این الگوی رفتاری همچنان در روابط دو کشور حاکم است.

آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته راهبردها و سیاست‌های مختلفی را در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی به کار گرفته و با گذشت زمان تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران نه تنها وضعیتی تقلیل‌گرایانه نداشته، بلکه جنبه انباشتی به خود گرفته است. یکی از مهم‌ترین راهبردهای تقابلی آمریکا راهبرد مهار بوده که از همان ابتدای پیروزی انقلاب مورد توجه آن کشور قرار گرفته است. بنابراین سؤال اصلی مقاله به این صورت مطرح می‌شود که راهبرد مهار ایران از سوی آمریکا از چه مؤلفه‌هایی برخوردار بوده و چه نتیجه‌ای داشته است؟ در خصوص اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش نیز می‌توان گفت که؛ تبیین سیاست‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند زمینه شناخت بیشتر از رفتارهای تعارضی آن کشور را فراهم نموده و ما را در درک آمریکا، سیاست‌های آن کشور و مهم‌تر از همه پیش‌بینی رفتارهای آمریکا توانمندتر سازد. نپرداختن به چنین موضوعاتی نیز موجب می‌شود تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران سیاست خارجی در اتخاذ تدابیر مناسب در برابر سیاست‌های آمریکا دچار خطای محاسباتی شوند.

پیشینه تحقیق

روابط ایران و آمریکا به دلیل ویژگی خاص خود مورد توجه پژوهشگران بوده و پژوهش‌های زیادی در این خصوص انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

باقری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران» اشاره می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران از طریق تعقیب سازوکارهایی همچون تأسیس پایگاه‌های مقاومت در منطقه، اتحاد استراتژیک با سوریه و سایر متحدان غیردولتی، افزایش موازنه بیرونی قدرت و ارتقای توانمندی موشکی ایران به گسترش عمق استراتژیک در منطقه هلال خصیب پرداخته است.

عسکری کرمانی و معین‌آبادی بیدگلی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا و شناخت ائتلاف‌ها و تهدیدها با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات مجموعه» به شناسایی سه ائتلاف عمده در مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا که شامل ائتلاف محور مقاومت، ائتلاف بلوک سنی و ائتلاف دوفاکتو عبری-عربی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ائتلاف محور مقاومت به دلیل تأثیرگذاری مثبت در هر یک از تحولات اخیر منطقه غرب آسیا منافع مد نظر خود را تأمین نموده و در آرایش سیاسی-امنیتی مجموعه تأثیر شگرفی برجای نهاده است.

یوسفی‌راد و بزرگمهری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی دولت‌های دمکرات و جمهوری خواه آمریکا در قبال ایران (۲۰۰۱-۲۰۲۰)» به این نتیجه رسیده‌اند که تفاوتی میان جمهوری خواهان و دمکرات‌ها در سیاست کلان ایالات متحده آمریکا در رویکرد مقابله با ایران وجود نداشته و وجه مشترک اصلی سیاست آن کشور در این دوره، تلاش برای مقابله، مهار و یا فروپاشی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

طباطبایی و کلارک (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «گروه‌های هم پیمان ایران بیش از هر زمان دیگری قدرتمند هستند» این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که ج.ا.ایران به منظور مقابله با نفوذ آمریکا در غرب آسیا به ویژه پس از سال ۲۰۰۳ در صدد تشکیل محور مقاومت برآمده و با وجود افزایش

فشارهای نظام بین‌الملل بر ج.ا.ایران به‌ویژه در دو سال اخیر، گروه‌های مقاومت مورد حمایت ایران همچنان دست بالا را در منطقه داشته‌اند (Tabatabai & Clarke, 2019).

یزدان‌پناه درو و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل ژئوپلیتیکی تمایل آمریکا به شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در خلیج فارس و آثار آن بر امنیت ج.ا.ایران» با استفاده از نظریه نواقع‌گرایی و الگوهای مختلف روابط ژئوپلیتیکی به این نتیجه رسیده‌اند که ائتلاف نظامی عربی و ضد ایرانی در خلیج فارس امنیت ایران را در ابعاد مختلف به‌ویژه ابعاد اقتصادی و نظامی دچار مشکل خواهد کرد.

برایان کاتز (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «محور در حال رشد، استراتژی منطقه‌ای در حال تحول ایران و مشارکت‌های غیردولتی در منطقه غرب آسیا» اشاره کرده که مداخله ایران در جنگ‌های سوریه، عراق و یمن، قدرت و دامنه محور مقاومت و مشارکت چند دهه‌ای میان ایران، حزب الله و سوریه را دگرگون کرده است. محور مقاومت به رهبری ایران ابتدا با اهداف دفاعی، دفاع از متحدان آن کشور و حفظ موجودیت این محور آغاز شد و سپس به اهداف تهاجمی علیه رژیم صهیونیستی، ایالات متحده و عربستان سعودی تبدیل شده که باعث ایجاد قدرت جدید نظامی، مشروعیت سیاسی و ذهنیت منطقه‌ای مشترک در میان شرکای ایران شده است.

آدمی و دشتگرد (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «ایالات متحده و مهار متخصصان در چارچوب احاله مسئولیت» به این نتیجه رسیده‌اند که ایالات متحده آمریکا در چارچوب رئالیسم تهاجمی برای کنترل و مهار دشمنان از دو راهبرد موزانه سازی و احاله مسئولیت استفاده می‌کنند. ایالات متحده آمریکا برای مهار چین و ایران از راهبرد احاله مسئولیت استفاده می‌کند که مهار چین از طریق هند و کنترل ایران از طریق عربستان صورت می‌گیرد.

در بحث پیشینه‌ها می‌توان گفت، کتاب و مقالات متعددی در خصوص روابط ایران و آمریکا نوشته شده است. اگرچه رفتار تعارضی دو کشور در بیشتر پیشینه‌ها مورد توجه قرار گرفته؛ اما راهبرد مهار با مؤلفه‌های آن، کمتر مورد توجه پژوهش‌ها بوده است. بنابراین نوآوری این مقاله، ناظر بر بررسی جامع‌تر، دقیق‌تر و کاربردی‌تر تقابل ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران در قالب راهبرد مهار است، ضمن اینکه برخلاف بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته که رفتار تعارضی دو

کشور از منظر جغرافیایی را به صورت کلی مدنظر قرار داده‌اند، این مقاله به صورت خاص تقابل را در منطقه غرب آسیا مورد بررسی قرار داده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر کاربردی و از نوع کیفی است. روش انجام آن مطالعه اسنادی مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی می‌باشد، همچنین از منابع کتابخانه‌ای و پویش اینترنتی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

چارچوب مفهومی: راهبرد مهار

راهبرد مهار در تاریخ بین‌الملل در دکتترین مونروئه^۱ (۱۸۲۳) و تأکید آمریکا بر مقابله با تلاش کشورهای اروپایی برای تقویت خود در نیمکره غربی، در نیمه دوم قرن ۱۹ از سوی آلمان دوره بیسمارک در رابطه با فرانسه از طریق دخالت در امورداخلی همسایگان آن (بلژیک، اسپانیا و ایتالیا)، در ابتدای قرن ۲۰ از سوی دولت‌های اروپایی علیه انقلاب بلشویکی و تلاش بلشویک‌ها برای صدور انقلاب و در دهه ۱۹۳۰ از سوی دولت‌های اروپایی برای مهار آلمان نازی بکار بسته شده است (نوری، ۱۳۹۸: ۲۵۱؛ به نقل از: Kennan, 1947: 576). اما مهم‌ترین نمونه کاربست راهبرد مهار از سوی آمریکا علیه کمونیسم است که بر پایه اندیشه‌های جورج کنان^۲ مطرح شد. این سیاست در دکتترین ترومن در سال ۱۹۴۷ که کمک فوری اقتصادی و نظامی به یونان و ترکیه را تضمین می‌کرد و در دکتترین آیزنهاور در سال ۱۹۵۷ که وعده کمک نظامی و اقتصادی به کشورهای منطقه غرب آسیا که در برابر کمونیسم مقاومت می‌کردند، به اجرا در آمد.

راهبرد مهار به کلیه فعالیت‌های دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی و حقوقی گفته می‌شود که قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل اغلب به منظور محدود کردن تحرک منطقه‌ای، کاهش توان کنشگری و انزوای سیاسی و اقتصادی یک قدرت رقیب انجام می‌دهند (Entessar & Afrasiab, 2019:5-6) به تعبیر دیگر راهبرد مهار رویکردی تهاجمی با هدف تعریف محدوده برای حریف در مرزهای مشخص (جغرافیایی، توان نظامی، ژئوپلیتیکی و...) منزوی کردن، کاهش توانمندی‌ها و

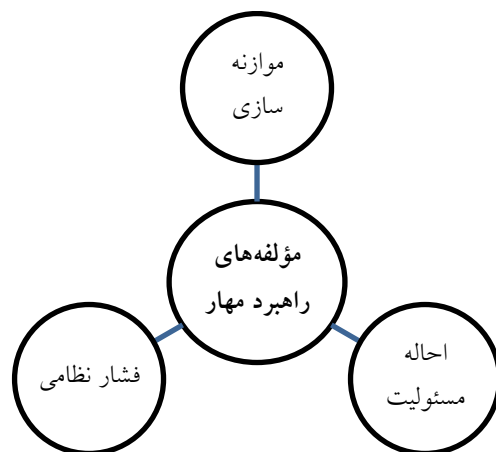
1. Monroe Doctrine
2. George Kennan

در صورت نیاز فروپاشی آن از درون از طریق تهدید و اجبار است (نوری، ۱۳۹۸: ۲۵۱؛ به نقل از: ایوانف، ۲۰۱۸). راهبرد مهار از مؤلفه‌هایی تشکیل شده که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱- موازنه سازی: در این راهبرد یک قدرت بزرگ‌تر مسئولیت مستقیم را برای جلوگیری از برهم خوردن موازنه قوا از سوی یک دولت رقیب را به دوش می‌گیرد. هدف اولیه این راهبرد ایجاد بازدارندگی برای مهاجم است، اما اگر این امر به شکست بینجامد، کشور موازنه‌گر در جنگ بعدی آن شرکت می‌کند. به این معنا که قدرت هژمون نظام بین‌الملل با حضور مستقیم در مناطق مختلف جهان سعی دارد تا به کشور متخاصم این پیام را بدهد که عبور از خطوط قرمز مورد نظرش به هیچ وجه تحمل نشده و در صورت لزوم به رویارویی مستقیم نظامی خواهد انجامید. افزون بر آن قدرت‌های بزرگ می‌کوشند از راه تشکیل ائتلاف‌های دفاعی و به کارگیری متحدان تازه نفس به مهار دولت متخاصم و جلوگیری از برهم خوردن موازنه قوا پردازد (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۷۵)

۲- احاله مسئولیت: این راهبرد اصلی‌ترین جایگزین برای موازنه سازی از سوی یک قدرت بزرگ در مقابل یک دولت رقیب است. در این راهبرد برخلاف موازنه سازی که خود قدرت بزرگ وارد عمل شده و سعی در مهار دولت هدف به صورت مستقیم دارد، قدرت‌های بزرگ مهار یک دولت رقیب و متخاصم را به وسیله کشور دیگری انجام می‌دهند. به این معنا که قدرت‌های بزرگ سعی دارند تا با واگذار کردن مسئولیت مهار به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای، در حاشیه باقی مانده و از این راه از هزینه مبارزه خود با قدرت رقیب و متخاصم در مناطق مختلف جهان بکاهد. به این ترتیب با کاستن از مسئولیت مستقیم خود، هزینه ایجاد موازنه در مقابل دولت تهدیدگر را بر دوش کشور دیگری قرار می‌دهند (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

۳- فشار نظامی: این راهبرد اقدام‌هایی مانند ایجاد محدودیت در زمینه تسلیحاتی و فناوری‌های با قابلیت کاربرد دوگانه، حضور نظامی در محیط پیرامونی دولت رقیب از طریق ایجاد ائتلاف با کشورهای منطقه، جنک محدود و ترور مقام‌های نظامی را با هدف ارسال پیام به منظور عدم تأیید رفتار یک بازیگر خاص و تضعیف توانایی‌های نظامی کشور رقیب در بردارد (وزیریان و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۵؛ به نقل از، salame, 2019).



نمودار ۱. چارچوب مفهومی

مؤلفه‌های راهبرد مهار آمریکا

چگونگی مواجهه با ایران در چهار دهه گذشته یکی از اصلی‌ترین چالش‌هایی است که روسای جمهور آمریکا در سیاست خارجی خود با آن مواجه بوده‌اند. تلاش برای القاء این که جمهوری اسلامی ایران و ماهیت انقلابی آن به‌عنوان منبع اصلی تنش‌ها و تهدیدها در منطقه است و معرفی ایران به عنوان بازیگری غیرعادی و نابهنجار و ثبات‌زدا در نظام بین‌الملل همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران در دهه‌های اخیر بوده است (یوسفی‌راد و بزرگمهری، ۱۴۰۰: ۱۱۷). بنابراین یکی از سیاست‌های اساسی آمریکا از همان ابتدای انقلاب اسلامی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، راهبرد مهار بوده که در ادامه به مؤلفه‌های آن اشاره می‌گردد:

۱- موازنه‌سازی از طریق احاله مسئولیت

مرشایمر^۲ در نظریه مربوط به رئالیسم تهاجمی روش‌ها و راهبردهایی را که قدرت‌های بزرگ در چارچوب آن می‌توانند بقای خود را حفظ نمایند بیان می‌کند. یکی از این راهبردها احاله مسئولیت است (آدمی و دشتگرد، ۱۳۹۱: ۴). احاله مسئولیت به مفهوم واگذاری بخشی از مأموریت عملیاتی به متحدان منطقه‌ای است. در واقع کشوری که سعی می‌کند از مسئولیت فرار کند سعی

1. Buck-Passing
2. Mearsheimer

دارد که کنشگر دیگری را وادار کند که هزینه‌های ایجاد موازنه و یا جنگ محتمل با یک مهاجم را بر عهده گیرد.

آمریکا از احاله مسئولیت برای کنترل و مهار متخاصمین و رقبای خود استفاده می‌کند. مهار ایران در قالب احاله مسئولیت توسط کشورهای منطقه صورت می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است. دولت آمریکا تا سال ۲۰۲۰ میلادی، با ورود دولت بریتانیا و پیمان ناتو به خلیج فارس و نقش آفرینی عربستان سعودی در این منطقه، سه مرحله بسیار مهم از سیاست تمرکز زدایی در منطقه غرب آسیا را اجرا کرد. در این راستا بریتانیا در سال ۲۰۱۵، اقدام به تأسیس یک پایگاه دریایی در منطقه مینا سلمان بحرین نمود. همچنین پیمان ناتو با چراغ سبز آمریکا، در سال ۲۰۱۷ میلادی، اولین مرکز کنترل فرماندهی خود را در کویت افتتاح نمود. از سوی دیگر عربستان سعودی از سال ۲۰۱۵، به‌طور مستقیم با جنبش انصارالله یمن وارد درگیری نظامی شده است. اما در زمان ترامپ، واشنگتن مرحله چهارم سیاست احاله مسئولیت به متحدین منطقه‌ای و بین‌المللی خود را، به اجرا گذاشته و سعی کرد تل آویو را از طریق توافقات آبراهام، وارد خلیج فارس نماید. هدف آمریکا از اجرای این مرحله، احاله مسئولیت مقابله با قدرت بازدارندگی و نفوذ منطقه جمهوری اسلامی ایران است. آنچه در این میان حائز اهمیت است، استقبال دوجانبه رژیم صهیونیستی و کشورهایمانند بحرین و امارات متحده عربی می‌باشد. تل آویو همواره به دنبال حضور در محیط امنیتی خارج نزدیک جمهوری اسلامی ایران بوده که تأسیس پایگاه‌های جاسوسی این رژیم در کشور آذربایجان و اقلیم کردستان عراق نمونه‌هایی از این حضور است (شیخان، ۱۴۰۰).

برخی کشورهای عربی مانند بحرین و امارات، به دلیل فضای طراحی شده توسط آمریکا و متحدانش در مسئله ایران‌هراسی که طی سالیان اخیر در منطقه غرب آسیا در به وجود آوردن آن نقش داشته‌اند، می‌خواهند با برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی و حضور تل آویو در منطقه، به دنبال موازنه‌سازی قدرت و تقابل با جمهوری اسلامی ایران باشند. از سوی دیگر آمریکا به‌طور عامدانه، خواهان وابستگی هرچه بیشتر این کشورها به تل آویو است. چرا که پس از خروج کامل آمریکا از افغانستان، بحرین و امارات در مقابل جمهوری اسلامی ایران، دچار احساس تنهایی استراتژیک شده‌اند. به طوری که مقامات بحرینی خواهان مشارکت تل آویو با منامه در ساخت پهپادهای نظامی، به‌منظور مقابله با ایران شده‌اند (شیخان، ۱۴۰۰).

۲- بازدارندگی هوشمند از طریق فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و شبکه‌سازی پایگاهی

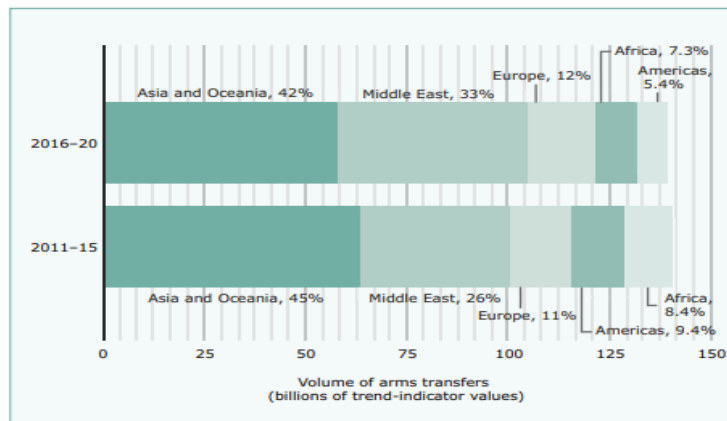
حمایت آمریکا از کشورهای عربی صرفاً محدود به موضع‌گیری‌ها و درج برخی سیاست‌ها در اسناد امنیت ملی نبوده است. فروش تسلیحات به روز به کشورهای منطقه یکی از سیاست‌های آمریکا در قالب بازدارندگی هوشمند صورت گرفته است. همکاری‌های تجاری و نظامی، فروش تسلیحات و جنگ افزارهای آمریکا در منطقه، از اقداماتی هستند که با هدف محدود کردن حوزه نفوذ راهبردی ایران از سوی آمریکا در منطقه اجرا شده است (Guirguis, 2011: 54). اولین برنامه آمریکا در این زمینه طرح ریگان بود. طرح رونالد ریگان برای منطقه خلیج فارس بر محور یک راهبرد هماهنگ برای همه دولت‌های وابسته به غرب در منطقه قرار داشت که ایجاد یک سیستم دفاعی قابل اعتماد و مطمئن بخش مهمی از این راهبرد را تشکیل می‌داد، فروش سبد آواکس‌ها به عربستان در همین راستا انجام گرفت. سبد آواکس‌ها مجموعه‌ای از جنگ افزارهای نظامی را در بر می‌گرفت که شامل پنج سیستم هوایی اخطار کننده، شش هواپیمای تانکر سوخت‌گیری در هوا مدل 707kc، موشک سایدوایندر ۱ و تجهیزات لازم و مدرن برای افزایش قدرت پرواز هواپیمای اف ۱۵ بود که قدرت این هواپیما را از ۴۵۰ مایل به ۱۰۰۰ مایل افزایش داد. در واقع تسلیح عربستان در دوره ریگان با دو هدف صورت گرفت: ۱- افزایش توان و به وجود آوردن امکان ضربه زدن به ایران؛ ۲- ازدیاد توان و به وجود آوردن امکان دفاع اولیه هنگام تجاوز ایران (آدمی و دشتگرده، ۱۳۹۱: ۱۱، به نقل از: الهی، ۱۳۸۴: ۲۸۰).

اقدام بعدی در این زمینه طرح فروش بیست میلیاردی تسلیحات به کشورهای حاشیه خلیج فارس بود که در جریان سفر مقامات سیاسی-امنیتی آمریکا به منطقه در اواخر ۲۰۰۷ اعلام شد و بوش نیز در سفر منطقه‌ای خود بر آن تأکید کرد. از جمله این تسلیحات می‌توان به فروش بمب‌های هدایت شونده لیزری به عربستان سعودی اشاره کرد (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۹۷).

آمریکا به منظور محافظت از دولت‌های منطقه و مراکز تولید نفت در مقابل موشک‌های بالستیک ایران سامانه‌های پدافند ضد هوایی پیشرفته‌ای را در اختیار آن‌ها قرار داده است. کشورهای عربی نیز توسعه قابلیت‌های دفاع موشکی مؤثر بالستیک از طریق خریداری این سامانه‌ها از آمریکا را یک

راهبرد مناسب به منظور مصون ماندن از حملات موشکی می‌دانند. از دهه ۱۹۹۰ تاکنون هر کدام از کشورهای خلیج فارس، به استثنای عمان، قابلیت دفاع موشکی را یکی از سیاست‌های تخطی ناپذیر خود قلمداد می‌کنند. به عنوان مثال عربستان سعودی، بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی همگی مجهز به سیستم دفاع موشکی پاتریت (پک ۲ و ۳) هستند. به علاوه اینکه عربستان سعودی و امارات متحده عربی تاد را که توسط شرکت لاکهید مارتین ۲ ساخته شده را از آمریکا دریافت کرده‌اند (فتحی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۳-۱۹۴).

«طبق آمار و داده‌ها، آمریکا در فروش تسلیحات به کشورهای منطقه با هدف مقابله با نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نقش بارزی را ایفا می‌کند. واردات تسلیحات توسط کشورهای غرب آسیا در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۹ نسبت به سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۴، ۶۱ درصد افزایش یافته است. پنج کشور از ۱۰ کشور بزرگ وارد کننده تسلیحات جهان در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۹ در غرب آسیا بودند، عربستان سعودی که ۳۵ درصد از انتقال تسلیحات به منطقه را دریافت کرد، مصر (۱۶ درصد)، امارات (۹.۷ درصد)، عراق (۹.۷ درصد) و قطر (۹.۶ درصد). آمریکا ۵۳ درصد از کل انتقال تسلیحات به منطقه، را تأمین کرده است» (Wezeman, 2021:11).



شکل ۱. واردکنندگان عمده سلاح بر اساس منطقه و درصد سهم جهانی (Sipri, 2020)

در کنار فروش تسلیحات به کشورهای منطقه، یکی دیگر از اقدامات ایالات متحده آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، شبکه‌سازی پایگاهی است. این کشور تلاش می‌کند پایگاه‌های

1. Patriot Pac 2 and 3
2. Lockheed Martin

نظامی خود را با هدف تسلط بر منطقه، کسب نتایج مطلوب و سازماندهی آن مطابق ترجیحات خود، گسترش دهد. شبکه‌سازی پایگاهی ناظر بر ایجاد سلسله مراکز نظامی و امنیتی در هم تنیده و مرتبط با هم در منطقه غرب آسیا است که با وجود کار ویژه متفاوت، از یک دستور کار مشترک در راستای پیگیری اهداف منطقه‌ای برخوردار است. براساس ایده شبکه‌سازی پایگاهی، ایالات متحده تلاش می‌کند با نزدیک‌تر شدن به منابع تهدید کننده، از حمله نظامی آن‌ها جلوگیری نماید. آمریکا پس از جنگ‌های عراق و افغانستان به تدریج بر میزان پایگاه‌های نظامی خود در منطقه افزوده و در حال حاضر در بیشتر کشورهای منطقه پایگاه نظامی دارد (فتحی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰۷). در جدول شماره ۱ به پایگاه‌های نظامی آمریکا در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است.

جدول ۱. موقعیت‌های نظامی آمریکا از نظر فاصله از مرزهای ایران

ردیف	نام پایگاه		فاصله تا مرزهای ایران (کیلومتر)
	فارسی	انگلیسی	
۱	ازمیر	Izmir	۱۴۹۹
۲	انجیرلیک	Incirlik	۷۸۷
۳	داکیلیا	Dhekelia	۹۹۳
۴	آکروتیری	Akrotiri	۱۰۸۰
۵	حیفا	Haifa	۹۸۱
۶	دیمونا	Dimona	۱۰۳۶
۷	اسکان ویلیج	Eskan Village	۵۷۲
۸	سُقُطْرَا	Socotra	۱۰۰۵
۹	ثمریت	Thumrait	۹۶۳
۱۰	مصیره	Masirah	۵۲۴
۱۱	سیب	Seeb	۲۱۶
۱۲	فجیره	Fujairah	۱۲۵
۱۳	جبل علی	Jebel Ali	۱۷۱

جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا: تقابل راهبردی در منطقه غرب آسیا

فاصله تا مرزهای ایران (کیلومتر)	محل استقرار	نام پایگاه		ردیف
		انگلیسی	فارسی	
۲۲۹	امارات متحده عربی	Abu Dhabi	ابوظہبی	۱۴
۲۴۹	امارات متحده عربی	ALDhafra	الظفره	۱۵
۲۷۷	قطر	AL Udeid	العدید	۱۶
۲۶۱	قطر	Sayliyah	سیلیه	۱۷
۲۰۵	بحرین	Sheikh Issa	شیخ عیسی	۱۸
۲۰۵	بحرین	Juffair	الجفیر	۱۹
۲۰۱	بحرین	Muharraq	المحرق	۲۰
۱۲۲	کویت	Patriot	پاتریوت	۲۱
۱۲۲	کویت	Arifjan	عریفان	۲۲
۱۳۴	کویت	Ahmed Al Jaber	احمد آل جابر	۲۳
۱۱۲	کویت	Buehring	برهرینگ	۲۴
۱۳۸	عراق	Baghdad International Airport	فروردگاه بین المللی بغداد	۲۵
۵۴	عراق	Bashur	باشور	۲۶
۲۳۶	عراق	Habbaniyah	حبانیه	۲۷
۱۵۸	پاکستان	Tallil (Emam Ali)	تلیل (امام علی علیه السلام)	۲۸
۱۴۹	پاکستان	Pasni	پسنی	۲۹
۵۲۶	پاکستان	Jacobabad	جیکب آباد	۳۰
۱۷۵	پاکستان	Dalbandin	دالباندین	۳۱
۱۹۶	پاکستان	Shamsi	شمسی	۳۲
۲۲۶	افغانستان	Dwyer	دویر	۳۳
۲۳۱	افغانستان	Delhi	دهلی	۳۴
۲۲۹	افغانستان	Ramrod	رمراد	۳۵
۳۷۱	افغانستان	Nathan Smith	ناتان اسمیت	۳۶

فاصله تا مرزهای ایران (کیلومتر)	محل استقرار	نام پایگاه		ردیف
		انگلیسی	فارسی	
۳۸۵	افغانستان	Kandahar	قندهار	۳۷
۲۴۷	افغانستان	Bastion	بشش	۳۸
۳۰۲	افغانستان	Robinson	رابینسون	۳۹
۱۸۶	افغانستان	Delaram	دلارام	۴۰
۴۸۴	افغانستان	Tinsley (Uruzgan)	تینزلی (اروزگان)	۴۱
۱۱۴	افغانستان	Shindand	شیندند	۴۲
۷۷۱	افغانستان	Gardez	گردیز	۴۳
۸۳۸	افغانستان	Chapman	چپمن	۴۴
۷۷۳	افغانستان	Eggers (Kabul)	اگرز (کابل)	۴۵
۷۷۵	افغانستان	Phoenix	فینیکس	۴۶
۷۸۳	افغانستان	Bagram	بگرام	۴۷
۱۱۸	افغانستان	Farah	فراء	۴۸
۲۷	ترکمنستان	Ashgabat	عشق آباد	۴۹
۱۲۶	ترکمنستان	Marv	مرو	۵۰
۱۰۳	ترکمنستان	Kushka	کوشک	۵۱
۹۰۴	ازبکستان	Chirchik	چیرچیک	۵۲
۱۳۴۳	قرقیزستان	Manas	مناس	۵۳
۸۳۴	تاجیکستان	Khujand	خجند	۵۴

(محمدپور و عطار، ۱۳۹۶: ۳۸۵-۳۸۲)

۳- اتحاد و ائتلاف منطقه‌ای

آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل ترس از گسترش نظام هنجاری، فکری، فرهنگی و سیاسی انقلاب، تلاش کرد جمهوری اسلامی ایران را در مرزهای خود محدود سازد و به همین منظور محدود کردن تحرکات منطقه‌ای را با هدف حذف ساختاری ایران از معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی در دستور کار خود قرار داد. یکی از مهم‌ترین اقدام آمریکا برای تحدید جمهوری اسلامی

ایران، شکل‌گیری ترتیبات نظامی و امنیتی با کشورهای منطقه از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده است (واعظی، ۱۳۸۹: ۲۳).

آمریکا به جز رژیم صهیونیستی با هیچ یک از کشورهای منطقه غرب آسیا پیمان طبیعی مبتنی بر اشتراکات فرهنگی و اجتماعی ندارد، لذا همواره سعی بر این دارد با مطرح ساختن یک عنصر تهدیدزا، بستر مناسبی را برای شکل‌گیری اتحادها میسر سازد. در همین رابطه در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا اشاره شده است که: «ما حضور نظامی لازم آمریکا در منطقه را برای حفظ ایالات متحده و متحدانمان در مقابل حملات تروریستی و حفظ تعادل مطلوب قدرت منطقه‌ای حفظ خواهیم کرد. ما به شرکای منطقه‌ای در تقویت نهادها و توانایی‌های آن‌ها از جمله در اجرای قانون کمک خواهیم کرد تا اقدامات ضد تروریستی و ضد شورش را انجام دهند. ما به شرکای خود در تهیه و تدارک دفاع موشکی متقابل و سایر قابلیت‌ها کمک خواهیم کرد تا در مقابل تهدیدهای موشکی فعال‌تر دفاع کنند. ما برای خنثی کردن فعالیت‌های بدخیم ایران در منطقه با شرکا همکاری خواهیم کرد» (The National Security Strategy, 2017: 50).

بنابراین ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در پی گسترش و تقویت این ایده هستند که رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی در جهت مهار ایران و جلوگیری از توسعه نفوذ منطقه‌ای آن دارای منافع مشترک هستند. از این‌رو کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی با حمایت آمریکا در صدد محدود کردن ایران از طریق تشکیل ائتلاف‌های نظامی - امنیتی روی آورده‌اند تا از نقش و تأثیرگذاری منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایران جلوگیری نمایند.

آمریکا از زمان اواما در کنار تلاش برای تقلیل جبهه‌های جنگ و کاهش نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، در صدد تحقق این هدف بود که با استفاده از یک آرایش جدید ترکیبی مشتمل بر مؤلفه‌های متعارف و نامتعارف در برابر ایران، قدرت ایران را مهار و به متحدین خود در منطقه اطمینان دهد؛ اقدام‌هایی که در این راستا انجام شد، شامل: نوسازی نظامی و فروش گسترده تسلیحات متعارف به کشورهای منطقه، تلاش برای ایجاد ائتلاف جهانی با هدف مهار قدرت ایران از طریق منع صادرات اقلام متعارف، ایجاد و تقویت سیستم دفاع موشکی در منطقه و ادغام سامانه راداری آن با رژیم صهیونیستی، اعلام اراده سیاسی جهت استقرار عملیاتی تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی و استراتژیک در منطقه و تقویت برتری راهبردی رژیم صهیونیستی در منطقه بود که ایالات متحده

تلاش کرد با بکارگیری این اقدامات از تاثیرگذاری ایران در تحولات منطقه جلوگیری نماید (Shapiro, 2010).

آمریکا در زمان ترامپ نیز تلاش‌های زیادی را برای شکل‌دهی به یک ائتلاف جدید در غرب آسیا بکار گرفت تا ضمن تقویت موقعیت خود در منطقه، زمینه‌های تضعیف قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را فراهم سازد (یزدان‌پناه درو و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۳). انعقاد پیمان ابراهیم یکی از مهم‌ترین تلاش‌های ترامپ بود. هرچند ارتباط مستقیم رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه خلیج فارس به بیش از دو دهه پیش می‌رسد و عمان و قطر اولین کشورهایی بودند که در سال ۱۹۹۶ با تأسیس دفاتر تجاری در پایتخت‌های خود، روابط تجاری مستقیم با این رژیم برقرار کردند؛ ولی کشورهای امارات متحده عربی و بحرین روابط خود با رژیم صهیونیستی را در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ با امضاء توافق‌نامه صلح عمومی موسوم به پیمان ابراهیم عادی‌سازی کردند. این توافق‌نامه حاکمیت ملی طرفین را به رسمیت می‌شناسد و در مورد گشودن متقابل سفارتخانه‌ها اعلام موافقت می‌کند. همچنین ابعاد دیگری همچون سرمایه‌گذاری، امنیت، گردشگری و پروازهای مستقیم، فناوری، مراقبت‌های بهداشتی و نگرانی‌های زیست‌محیطی را نیز در بر می‌گیرد (Hajjar, 2021:63).

توافق‌نامه ابراهیم نخستین توافق صلح بین اعراب و رژیم صهیونیستی نیست با این حال متفاوت از توافقات‌های پیشین مانند توافق‌نامه‌های صلح اسرائیل - مصر (۱۹۷۸) یا اسرائیل - اردن (۱۹۹۴) که از آن‌ها به صلح در برابر زمین یاد می‌شود، هستند. می‌توان گفت که پیمان ابراهیم در واقع توافق‌نامه‌هایی دوجانبه‌اند که تهدیدات امنیتی ناشی از خطر ایران را برطرف می‌کنند. در واقع توافق ابراهیم هدف مهم‌تر و کلان‌تری را دنبال می‌کند و به دنبال کنترل بنیادی قدرت جمهوری اسلامی ایران است.

بنابراین ایجاد ائتلاف منطقه‌ای با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، گسترش پایگاه‌های نظامی آمریکا در اطراف ایران، تبدیل آمریکا به یک حمایت‌کننده و متحد قوی برای کشورهای منطقه در قبال ایران، فعالیت‌های اقتصادی آمریکا در جنوب غرب آسیا، مساعدت با کشورهای عرب منطقه در برداشت هر چه بیشتر از منابع سوخت زیرزمینی، اعمال محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و همچنین ممانعت از تعامل ایران با کشورهای منطقه و... از جمله موارد تأثیرگذار در چارچوب این ائتلاف‌ها

است که هر یک از آن‌ها تحدید ایران را به دنبال خواهد داشت (یزدان‌پناه درو و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

راهبردهای مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران

۱- شبکه‌سازی منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که «تنهایی استراتژیک» را در طول سال‌های جنگ عراق علیه خود به خوبی تجربه نموده، به این باور رسیده است که تنها از طریق تفوق قدرت و افزایش نفوذ می‌تواند با آمریکا مقابله نماید. این عمل استراتژیک از طریق مفهومی، انتزاعی و استراتژیک با استفاده از ایجاد و تقویت گروه‌های وفادار و متعهد به ایدئولوژی و راهبرد ضد صهیونیستی و ضد آمریکایی خود و نیز ایجاد پایگاه‌های نظامی گروه‌های مقاومت و تقویت قدرت نظامی آن‌ها و نیز اتحاد با کشورهای همسو، در کنار موازنه درونی قدرت تأمین می‌شود (باقری و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۱).

جمهوری اسلامی ایران برای ختنی کردن سیاست‌های مهار آمریکا، شبکه‌سازی منطقه‌ای در قالب محور مقاومت را به منظور گسترش عمق استراتژیک و مقابله با حصر ژئوپلیتیکی و نظامی خود شکل داده و از تمامی دولت‌ها و گروه‌های تشکیل دهنده این محور حمایت کرده است (داوود و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۴). محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های امنیتی پایدار در منطقه غرب آسیا است که در تقابل مستقیم با ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار داشته و توانسته است سیاست‌های آمریکا را در منطقه با چالش جدی مواجه سازد. شبکه محور مقاومت متشکل از دولت‌ها و گروه‌هایی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱-۱- حزب الله لبنان

حزب الله لبنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های محور مقاومت محسوب می‌شود که سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله، به رابطه حزب الله و مقاومت اسلامی و پیوند آن با انقلاب اسلامی ایران تأکید می‌کند (هاشم پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۰). این جنبش در گسترش شبکه متحدان و همسو با ایران نقش مهمی داشته است. دلیل این امر نیز تأثیرپذیری سایر گروه‌های محور مقاومت از الگوی عملیاتی و موفقیت‌های آن گروه و نزدیک شدن به ایران است. به صورت خاص می‌توان به استفاده

حماس و جهاد اسلامی از الگوی عملیاتی حزب‌الله اشاره نمود که در قالب انجام اقداماتی از قبیل: عملیات شهادت طلبانه، نبرد نامتقارن، دستیابی و ارتقای توان موشکی و حفر تونل‌های زیرزمینی برای نفوذ در عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی قابل بیان است. جمهوری اسلامی ایران با کمک حزب‌الله لبنان از بحران‌های سوریه، عراق و حتی یمن، به‌عنوان فرصتی برای جذب متحدان و همچنین گسترش و تثبیت پایگاه‌های نیابتی خویش استفاده کرده است.

۲-۱- سوریه

سوریه یکی از کشورهایی است که در خط مقدم مقابله با نظام سلطه و رژیم صهیونیستی قرار دارد. دولت سوریه از ابتدای ظهور جریان‌های مقاومت اسلامی راه دوستی با آن‌ها را در پیش گرفت و روابط مستحکمی با رهبران فعال و بالقوه مقاومت برقرار ساخت. دمشق بعد از ظهور انقلاب اسلامی ایران و قدرت گرفتن بیشتر مقاومت مخصوصاً در لبنان هوشیارانه به تقویت این جریان‌ها و تحکیم بیشتر پیوند با آن‌ها پرداخت. همکاری گسترده سوریه با سایر اعضای محور مقاومت در جنگ ۳۳ و ۲۲ روزه با رژیم صهیونیستی، کمک‌های ایران به حزب‌الله از راه سوریه و همچنین کمک‌های ایران و حزب‌الله به دمشق برای حفظ دولت بشار اسد در قدرت پس از بروز بحران داخلی در این کشور، عمق روابط راهبردی محور مقاومت و سوریه در برابر نظام سلطه به سرکردگی آمریکا را نشان می‌دهد (ساجدی، ۱۳۹۲: ۸۶). بنابراین سوریه یک بخش مهم در دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران است و به‌عنوان یکی از محورهای اصلی مبارزه با آمریکا، رژیم صهیونیستی و به‌طور کلی غرب محسوب می‌شود. همچنین سوریه ایران را به لبنان متصل کرده و در موفقیت حزب‌الله لبنان به عنوان یک سازمان مهم و تأثیرگذار شیعی-اسلامی با گره دادن آن به ایران نقش اساسی داشته است (Kam, 2012: 1-2).

۳-۱- حشد الشعبی

شکل‌گیری داعش اگرچه یک بحران امنیتی بزرگ در منطقه بود، ولی این بحران فرصت شکل‌گیری گروه‌های مقاومت را فراهم کرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها حشدالشعبی بود. اهمیت حشد الشعبی ناشی از دو کار ویژه این گروه برای ج.ا.ایران بوده است: نخست، استقرار نیروهای مقاومت در مناطق جغرافیایی مهم عراق همچون استان الانبار که امکان جابجایی رزمندگان مقاومت

و ارسال کمک‌های تسلیحاتی ارسالی از گذرگاه مرزی عراق و سوریه در این منطقه را فراهم می‌سازد؛ دوم، افزایش نفوذ سیاسی گروه‌های مقاومت در ساختار قدرت سیاسی عراق که موجب ارتقای عمق بخشی ج.ا.ایران به عنوان رهبر محور مقاومت می‌شود. قرار گرفتن فهرست ائتلاف فتح به رهبری عادی عامری به عنوان جناح سیاسی حشدالشعبی در رده دوم ائتلاف‌های پیروز انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ نشان از تداوم نفوذ متحد ج.ا.ایران در ساختارهای سیاسی عراق دارد. پس از ترور سپهبد شهید سلیمانی و ابومهندس المهدی، ج.ا.ایران کوشیده تا از طریق گروه‌های مقاومت در عراق، آمریکا را به چالش بکشانند. تصویب طرح خروج آمریکا در پارلمان عراق از سوی متحدان محلی ج.ا.ایران و حملات نیروهای مقاومت از جمله کتائب حزب الله به پایگاه‌های آمریکایی از جمله کمپ «التاجی» در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ از جمله اقدام‌های نیروهای متحد ج.ا.ایران در برابر آمریکا به شمار می‌رود (Ibish, 2020). بنابراین یکی از مصادیق بارز فعالیت گروه‌های تشکیل دهنده حشدالشعبی برای مقابله با سیاست‌های آمریکا و متحدان آن علیه ایران، تلاش‌هایی است که این گروه‌ها با هدف بیرون کردن آمریکا از عراق شروع کرده و بر خروج کامل آمریکا از عراق تأکید دارند و طبیعی است چنانچه این موضوع تحقق یابد، ضمن خنثی شدن سیاست‌های آمریکا علیه ایران، نقش ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در عراق بیشتر خواهد شد.

۴-۱- انصارالله یمن

یکی دیگر از گروه‌هایی که در سال‌های اخیر در قالب محور مقاومت در گسترش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی را ایفا نموده، جنبش انصارالله یمن است که انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری این جنبش تأثیر مهمی داشته است. دکتر عصام العمدادی یکی از مفتیان سابق وهابیت که به تشیع گرویده است معتقد است: «اگر انقلاب اسلامی ایران به وقوع نیوسته بود، مذهب زیدی در یمن از بین رفته بود. فقط با وقوع انقلاب اسلامی و انتشار کتاب‌های شیعه در یمن، زیدی‌ها به مذهب زیدی برگشتند» (العمدادی، ۱۳۸۴: ۲۳۱). بنابراین انقلاب اسلامی ایران ضمن احیای مجدد زیدیه، باعث شد تا اصول جهادی موجود در فرهنگ مذهبی یمنی‌ها پررنگ‌تر از قبل شده و جنبش انصارالله به عنوان یکی از گروه‌های شیعی این کشور به یکی از مهم‌ترین و در عین حال تأثیرگذارترین نیروهای سیاسی- مذهبی یمن تبدیل شود (تلاشان، ۱۳۹۱: ۱۷). قدرت‌یابی انصارالله در یمن و شکل‌گیری یک حکومت اسلامی و مردمی در آن، در جهت منافع منطقه‌ای جمهوری

اسلامی ایران قابل ارزیابی است و جمهوری اسلامی ایران توانسته با بهره‌برداری صحیح از این شرایط به تقویت فزاینده جایگاه خود در حوزه غرب آسیا و شمال آفریقا دست یابد و این مسأله همان چیزی است که آمریکا و متحدان آن به شدت از آن واگم دارند (آل سید غفور، ۱۳۹۴: ۱۵۴). بنابراین قدرت گرفتن انصارالله یمن که در تحولات اخیر منطقه و در حمایت از مقاومت ملت فلسطین در نوار غزه، خود را نشان داده، به معنی توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه است و با وجود این که این قدرت بیش از ایران به نفع خود یمنی‌هاست، اما قدرتمند شدن شریک استراتژیک، بی‌شک به نفع شرکا نیز می‌باشد.

به‌طور کلی می‌توان گفت منطق راهبردی ج.ا.ایران در بهره‌برداری از ظرفیت‌های بازیگران محور مقاومت در چهار محور قابل بررسی است:

۱- جبهه مقاومت عامل کلیدی اعمال بازدارندگی ناهم‌تراز در جهت مقابله با تهدیدهای آمریکا و متحدان منطقه‌ای به شمار می‌رود. به واسطه پیروی جبهه مقاومت از سیاست‌های کلان منطقه‌ای ج.ا.ایران، متخاصمان باید در نظر داشته باشند که هرگونه حمله احتمالی به ج.ا.ایران و منافع آن می‌تواند با ضد حملات شبه نظامیان چند ملیتی ج.ا.ایران در زمان و مکان‌های مختلف رو به رو شود؛

۲- بهره‌گیری از جبهه مقاومت به‌عنوان یک نیروی بازدارنده در راستای اعمال «بازدارندگی انتقام جویانه» است که شامل توانایی ایجاد ترس از تلفات قابل توجه، نابودی زیر ساخت‌های حیاتی و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی در جهت بازداشتن دشمنان ج.ا.ایران از اقدام مستقیم نظامی علیه کشور و منافع آن می‌شود؛

۳- جبهه مقاومت در جهت تحقق هدف‌های ج.ا.ایران برای گسترش نفوذ و عمق بخشی منطقه‌ای در غرب آسیا از راه پشتیبانی از گروه‌های مقاومت در کشورهای عراق، سوریه و لبنان و جلوگیری از مداخله‌های خارجی در این کشورها که به عنوان حوزه نفوذ ج.ا.ایران به شمار می‌رود؛

۴- به چالش کشیدن نظم آمریکایی در منطقه و صدور انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه از کلیدی‌ترین دستور کارهای کنشگری منطقه‌ای ج.ا.ایران است که در آن نقش نیروهای هم‌پیمان جبهه مقاومت بسیار برجسته است. به هر میزان که قلمرو نفوذ جبهه مقاومت در منطقه

گسترش یابد، سطح کنشگری ژئوپلیتیکی آمریکا محدود می‌شود (وزیران و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۲-۱۰۰).

اندیشکده «شورای آتلانتیک»^۱ که یکی از تأثیرگذارترین اندیشکده‌های آمریکایی است در گزارش خود در سال ۲۰۱۷ تحت عنوان «برده‌برداری از انقلاب: نگاهی نزدیک‌تر به حضور و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا» که توسط فیلیپ اسمیس^۲ و همکارانش تهیه شده است؛ چهار اهرم «حمایت از نیروهای نیابتی شیعه»، «صدور ایدئولوژی»، «ارائه تسلیحات» و «تشکیل شبکه‌های فراملی» را در موفقیت منطقه‌ای ایران مقابل آمریکا و متحدانش تأثیرگذار می‌دانند و معتقدند تهران به‌ویژه از شبکه‌های فراملی خود برای ظرفیت‌سازی در میان نیروهای نیابتی‌اش استفاده می‌کند به گونه‌ای که تکیه ایران بر شرکای قوی‌ترش برای انتقال تخصص و شیوه‌های کارآمد به گروه‌های کم‌تجربه‌تر موجب می‌شود تا میزان واقعی دخالت تهران در یک موضوع مخفی بماند. به عقیده نویسندگان گزارش، این ابهام به ایران اجازه می‌دهد تا با استفاده از این شرایط در کشورهای نظیر عراق، سوریه، بحرین و یمن جایگاه خود را به عنوان نیروی «مدافع» شیعیان در منطقه تحکیم کند. نهایتاً تصویری که اکنون از ایران در منطقه در حال شکل گرفتن است، این کشور را به عنوان بازیگر برجسته‌ای مطرح می‌کند که در تلاش است تا سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا را تضعیف کند و نظم منطقه‌ای را مطابق میل خود بازسازی نماید (Smyth et al, 2017).

علی صوفان مأمور ویژه سابق اف.بی.آی در گزارش سال ۲۰۱۸ ماهنامه «مرکز مبارزه با تروریسم» وابسته به آکادمی نظامی ایالات متحده موسوم به «وست پوینت ۳»، اشاره می‌کند که: «یک نفر به‌عنوان معمار اصلی سیاست‌های ایران در منطقه به رسمیت شناخته می‌شود؛ سرلشکر قاسم سلیمانی، رئیس کهنه‌کار نیروی قدس. سلیمانی اگرچه مردم کشورش به او احترام می‌گذارند و دشمنانش در میدان‌های جنگ در سراسر منطقه غرب آسیا از او وحشت دارند، اما در غرب هم‌چنان غالباً ناشناخته است. این در حالی است که اگر بگوییم امروزه بدون درک کامل قاسم سلیمانی، نمی‌توان ایران را درک کرد، حتی اندکی از حق مطلب را هم ادا نکرده‌ایم. سلیمانی، بیش از هر کس دیگری، مسئول ایجاد یک هلال نفوذ (و به قول تهران، «محور مقاومت») برای ایران است که

1. Atlantic Council
2. Phillip Smyth
3. West Point

از طریق عراق، سوریه و لبنان، از خلیج عمان تا سواحل شرقی دریای مدیترانه را در بر می‌گیرد. با پیروزی قریب‌الوقوع اسد در جنگ داخلی فاجعه‌بار کشورش، این اتحاد ایرانی به اندازه کافی باثبات شده است که قاسم سلیمانی، اگر اراده نماید، می‌تواند سوار بر خودرویش از تهران راه بیفتد و تا مرز لبنان با اسرائیل بیاید، بدون آن‌که کسی خودرویش را متوقف کند. و چنان‌که «یوسی کوهن» رئیس موساد اشاره کرده است، همین مسیر برای کامیون‌های مملو از راکت هم باز است که مقصدشان نیروی نیابتی اصلی ایران در منطقه، یعنی حزب‌الله، است» (Soufan, 2018). بنابراین همچنان که علی صوفان اشاره می‌کند، شهید قاسم سلیمانی در شکل‌گیری جبهه مقاومت و گسترش نفوذ آن در منطقه نقش تاثیرگذاری داشته است. ایشان تجربه زیادی در شیوه‌های مقابله با نفوذ آمریکا و تاکتیک‌های جنگی رژیم صهیونیستی به دست آورد و به فردی با تجربه و کارآزموده و مسلط بر مسائل منطقه غرب آسیا تبدیل شد. او نه تنها به محور مقاومت قدرت بخشیده بود؛ بلکه در تعامل با دولت‌های عراق و ایران به دنبال یک نوع هماهنگی منطقه‌ای در برابر اقدامات خصمانه آمریکا بود. بنابراین رئیس‌جمهور وقت آمریکا به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ ایران، غافل از تأثیر آن بر انگیزه مضاعف محور مقاومت برای مقابله با آمریکا در منطقه، ترور را انتخاب کرد و در دی ماه ۱۳۹۸ سردار سلیمانی را ترور کرد.

۲- توسعه توانمندی‌های دفاعی

جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با راهبرد مهار آمریکا، به ارتقای توانمندی موشکی و پهبادی خود با هدف بازدارندگی و تقویت موازنه درونی قدرت اقدام نموده است. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمریکا^۱ طی گزارشی در سال ۲۰۲۰، از ایران به عنوان دارنده بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین زرادخانه موشکی در غرب آسیا یاد نموده است. موشک‌هایی که برخی از آنها قادر به حمله به فلسطین اشغالی هستند و حتی برد آن‌ها فراتر از آن تا جنوب شرقی اروپا را در بر می‌گیرند. تحلیل‌گران این مرکز ضمن تبیین توانایی موشکی ایران از برد عملیاتی ۱۵۰ الی ۲۰۰۰ کیلومتری این موشک‌ها سخن گفته‌اند و معتقدند که این قابلیت‌های نظامی منجر به معتبر و جدی قلمداد شدن تهدید ایران برای نیروهای آمریکا و شرکا و متحدان استراتژیک آن گردیده است (Missile Threat, 2020).

1. Center for Strategic and International Studies (CSIS)

همچنین نشریه نیویورکر^۱ در بخشی از یک گزارش به قلم رابین رایت^۲، تحلیل‌گر آمریکایی درباره اقتدار نظامی ایران نوشت: ژنرال کنت مک کنزی^۳ فرمانده سنتکام در منطقه غرب آسیا به من گفت درس‌هایی که از عین‌الاسد گرفتیم این است که موشک‌های ایران نسبت به برنامه هسته‌ای‌اش، به تهدید قریب‌الوقوع‌تری تبدیل شده‌اند. دهه‌ها بود که راکت‌ها و موشک‌های ایران به‌طور گسترده‌ای فاقد دقت بودند، اما در عین‌الاسد، تقریباً به همان جایی خوردند که آن‌ها می‌خواستند. حالا این موشک‌ها، می‌توانند به گونه‌ای مؤثر به نقاط مختلفی در گستره و در عمق منطقه غرب آسیا اصابت کنند. اصابتشان به نقاط مختلف دقت زیادی دارد. نیویورکر همچنین در این گزارش آورده است: ایران بر تولید موشک‌هایی با برد بالاتر، دقت بالای اصابت و قدرت تخریب بیشتر تمرکز کرده است. مک کنزی در این باره می‌گوید، تهران در این زمینه به مرحله «برتری» رسیده است، یعنی سطحی از توانمندی که کشوری وقتی به آن برسد، به خاطر تسلیحاتی که در اختیار دارد، غیرقابل کنترل یا شکست دادن می‌شود. به گفته او ظرفیت استراتژیک ایران در حال حاضر بسیار بزرگ است (Wright, 2022). مک کنزی در جلسه استماع کنگره آمریکا نیز به قدرت پهبادی ایران اذعان کرد. وی با اشاره به تهدیدهای روزانه ایران علیه آمریکا در پاسخ به سؤالی مبنی بر این که آیا آمریکا برتری هوایی خود را در منطقه غرب آسیا از دست داده است، گفت: «استفاده گسترده ایران از پهپادهای کوچک و متوسط برای عملیات‌های شناسایی و هجومی بدین معناست که برای اولین بار از زمان جنگ شبه‌جزیره کره در دهه ۱۹۵۰ بدون برتری کامل هوایی، عملیات انجام می‌دهیم» (خبرگزاری میزان، ۱۴۰۰/۴/۵).

حمله پهبادی و موشکی آوریل ۲۰۲۴ جمهوری اسلامی ایران به رژیم صهیونیستی تحت عنوان عملیات «وعده صادق»^۴، به دلیل تهاجم آن رژیم به کنسولگری ایران در دمشق، بیش از گذشته توانمندی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را در منطقه نشان داد و این اقدام به رغم تلاش هدفمند کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی برای فروکاستن ارزش آن، تأثیر بسیاری بر روندهای منطقه‌ای و بازدارندگی در مقابل اقدامات آن رژیم بر علیه منافع و امنیت ملی ایران دارد که ابعاد آن در گذر زمان مشخص خواهد شد.

1. New Yorker
2. Robin Wright
3. Kenneth McKenzie
4. Operation "Honest Promise"

۳- حمایت تسلیحاتی از کشورهای منطقه‌ای

انتقال تسلیحات بین کشورها یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تعاملات راهبردی است. جمهوری اسلامی ایران در کنار ارتقای توانمندی دفاعی خود، در تقویت توان تسلیحاتی جبهه مقاومت نیز نقش زیادی داشته است. انتقال تسلیحات و فناوری ساخت آن‌ها به اعضای محور مقاومت، به تقویت پیوندهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند و در سایه تقویت پیوندهای راهبردی، بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز ارتقاء می‌یابد. بخشی از ابزارهای جمهوری اسلامی ایران جهت مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و مداخلات قدرت‌های بزرگ متخاصم فرامنطقه‌ای، توانمندسازی جنبش‌های مقاومت اسلامی و تسلیح و تجهیزسازی آن‌ها به تسلیحات سبک و نیمه سنگین است. در یک دهه گذشته سلاح‌های هوایی، ضد هوایی و نیمه سبک سطح به سطح ایرانی در برابر پایگاه‌های آمریکا و متحدین منطقه‌ای آن موازنه تهدید را تغییر داده‌اند. به عنوان مثال موشک‌های قیام با برد ۵۵۰ کیلومتر علی‌رغم سپر دفاع موشکی پاتریوت پک ۳ توانسته است موازنه تهدید را متحول سازد. جمهوری اسلامی ایران در قالب پروژه افزایش دقت تسلیحات مقاومت، با انتقال تسلیحات نیمه سنگین و سبک به جبهه مقاومت توانسته است ضمن تغذیه تسلیحاتی این گروه-ها به ارتقای توانایی آن‌ها در مواجهه با نیروهای آمریکایی و متحدین منطقه‌ای آن کمک کند. نیروهای مقاومت با وجود محاصره تسلیحاتی غرب توانسته‌اند موشک‌های فاتح ۱۱۰ با برد کوتاه، شهاب ۱، شهاب ۲، موشک‌های ضد تانک طوفان، تانک‌های تی ۷۲ و پهپادهای کرار را جهت مهار تهدیدات نظامی رژیم صهیونیستی مورد استفاده قرار دهند (عباسی خوشکار، ۱۳۹۹/۶/۳۱).

از سال ۲۰۰۶ به بعد ۱۳۰ هزار موشک و راکت توسط حزب الله با حمایت جمهوری اسلامی ایران ذخیره شده است. اکنون قدرت موشکی حزب الله از نظر کمیت و کیفیت بسیار افزایش یافته است. موشک‌های حزب الله نه تنها از نظر دقت ارتقاء یافته بلکه گستره وسیعی از موشک توپخانه فجر ۵، فاتح ۱۱۰ تا اسکاد بی سی را شامل می‌شود که این توان نظامی، کلیه مراکز و تاسیسات حساس، حیاتی و مهم رژیم صهیونیستی متحد اصلی آمریکا را در تیررس موشک‌های محور مقاومت قرار داده است که نتیجه آن افزایش عمق استراتژیک دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران است (Stratfor Worldview, 2018)؛ بنابراین انتقال فن آوری ساخت موشک و پهپاد توسط جمهوری

اسلامی ایران در تمام قلمرو کشورهای عضو محور مقاومت، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده و این مسأله بارها و بارها در گزارش‌های اندیشکده‌های غربی ذکر شده است.

نتیجه‌گیری

الگوی رفتاری تعارضی، الگوی غالب در روابط ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته بوده که تعارضات ایدئولوژیک بین دو کشور زمینه‌ساز و عامل اصلی چنین الگوی رفتاری بوده است. آمریکای پرچمدار نظام لیبرال دموکراسی در نظام بین‌الملل، ماهیت دینی و اسلامی انقلاب اسلامی ایران را تهدیدی جدی برای اهداف خود در نظام بین‌الملل و منطقه غرب آسیا می‌داند و به همین منظور تلاش نموده با جمهوری اسلامی ایران مقابله کند. پیش‌فرض اساسی آمریکا در اتخاذ سیاست مهار ایران، همواره این بوده که نظام سیاسی حاکم بر ایران به صورت بنیادی با منافع آمریکا در تضاد بوده و جهت‌گیری‌های کلان ایران در تضاد با منافع آمریکا است.

طبیعتاً منطقه اصلی که دو کشور در طول چهار دهه گذشته در آن رقابت توأم با تخاصم را داشته‌اند، منطقه غرب آسیا است که آمریکا از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، با هراس افکنی و تهدید جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران، تلاش کرده با استفاده از راهبرد مهار از تأثیرگذاری ژئوپلیتیکی ایران در منطقه جلوگیری نماید. اتحاد و ائتلاف با کشورهای منطقه و شکل‌گیری ترتیبات نظامی و امنیتی با آن‌ها از ابتدای انقلاب اسلامی شکل گرفته و همین امر زمینه را برای مهار ایران فراهم کرده است. ایالات متحده در پی گسترش و تقویت این ایده است که رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی در جهت مهار ایران و جلوگیری از توسعه نفوذ منطقه‌ای آن دارای منافع مشترک هستند. از این‌رو کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی با احاله مسئولیت آمریکا، در صدد محدود کردن ایران از طریق تشکیل ائتلاف‌های نظامی - امنیتی بوده تا از نقش و تأثیرگذاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران جلوگیری نمایند. همچنین آمریکا تلاش کرده با فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و شبکه‌سازی پایگاهی در پیرامون جمهوری اسلامی ایران، هزینه‌های بازدارندگی ایران را در منطقه افزایش داده و از نفوذ آن در منطقه ممانعت نماید. بنابراین ایجاد

ائتلاف منطقه‌ای و موازنه‌سازی در منطقه با هدف جلوگیری از قدرت گرفتن جمهوری اسلامی ایران، احاله مسئولیت به کشورهای منطقه با هدف مقابله با ایران و راهبرد فشار نظامی از طریق شبکه سازی پایگاهی در منطقه و فروش تسلیحات پیشرفته به متحدان خود از جمله اقداماتی هستند که در راهبرد مهار ایران توسط آمریکا دنبال می‌شود و ارزیابی عملکرد آمریکا در مهار جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا نشان می‌دهد با وجود اقدام و هزینه‌های فراوان آن کشور، نتایج متفاوت از آن چیزی است که آمریکا انتظار داشته است و حضور و نفوذ مؤثر ایران در منطقه روز به روز در حال افزایش بوده که خود آمریکایی‌ها هم به این موضوع اذعان دارند، همین که آمریکا بعد از خروج از برجام به مذاکراتی در خصوص مسائل منطقه‌ای تاکید دارد، نشان از موفقیت ایران در ناکام گذاشتن آمریکا در راهبرد مهار بوده است که بهره‌گیری از گروه‌های مقاومت و ارتقای توانمندی موشکی و پهپادی مهم‌ترین رکن اصلی در سیاست ایران برای مقابله با سیاست‌های آمریکا بوده است. البته این موفقیت برای جمهوری اسلامی ایران هم به راحتی محقق نشده و ایران با صرف هزینه‌های زیاد توانسته است سیاست‌های آمریکا را با شکست مواجه سازد که پیشنهاد‌های کلان زیر برای موفقیت بیشتر جمهوری اسلامی ایران و همچنین کاهش هزینه‌ها در این خصوص ارائه می‌گردد که البته این پیشنهادات باید خود تبدیل به راهکارهای عملیاتی گردد:

- ۱- جمهوری اسلامی ایران به منظور خنثی‌سازی تأثیر ژئوپلیتیک‌زدایی آمریکا علیه ایران در منطقه با استفاده از راهبرد مهار، بایستی برای حل و فصل اختلافات با کشورهای منطقه و همگرایی منطقه‌ای تلاش نماید.
- ۲- رابطه جمهوری اسلامی ایران با گروه‌های مقاومت براساس ارزش‌های عقیدتی، فکری و فرهنگی بوده که این عوامل به تنهایی کافی نبوده و در کنار این عوامل مهم، از ظرفیت‌های اقتصادی نیز بایستی برای همگرایی بیشتر جبهه مقاومت استفاده گردد.
- ۳- جمهوری اسلامی ایران بیشتر از گذشته، از ظرفیت دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای با هدف تنویر افکار عمومی در منطقه غرب آسیا نسبت به سیاست‌های سلطه‌طلبانه آمریکا استفاده نماید.

فهرست منابع

- آدمی، علی؛ دشتگرد، مجید. (۱۳۹۱). ایالات متحده و مهار متخاصمان در چارچوب احاله مسئولیت. پژوهش های راهبردی سیاست، ۱(۳). ۲۸-۱.
- اسدی، علی اکبر. (۱۳۸۷). استراتژی مهار ایران؛ ابعاد و چالش های منطقه ای، راهبرد. ۴۵. ۱۹۱-۲۰۷.
- العماد، عصام. (۱۳۸۴). شیعیان یمن؛ بررسی وضعیت فرهنگی - سیاسی. شیعه شناسی. شماره ۹. الهی، همایون. (۱۳۸۴). خلیج فارس و مسائل آن. تهران؛ قومس.
- آل سید غفور، سید محسن؛ کاظمی، احسان؛ موسوی دهموردی، سید محمد. (۱۳۹۴). تبیین رقابت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن. سیاست خارجی. ۲۹(۱۱۴). ۱۶۷-۱۴۵.
- باقری، محسن؛ امیدی، علی؛ یزدانی، عنایت الله. (۱۴۰۰). تأثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران. مطالعات سیاسی جهان اسلام. ۳۸(۱۰). ۶۶-۹۲.
- تلاشان، حسن. (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن. شیعه شناسی. ۱۰(۴۰). ۳۰-۷.
- خبرگزاری میزان. (۱۴۰۰/۴/۵). ارتش آمریکا در بن بست مهار قدرت روزافزون پهپادهای ایران. قابل دسترسی در: <https://www.mizanonline.ir/fa/news/736280>
- داوود، محمد؛ اسلامی، محسن؛ داوند، حجت. (۱۳۹۷). تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا. مطالعات سیاست جهان اسلام. ۲۵(۷). ۷۹-۹۹.
- ساجدی، امیر. (۱۳۹۲). بحران سوریه و دخالت قدرت های بیگانه. پژوهشنامه روابط بین الملل. ۶(۲۴). ۱۵۷-۱۹۰.
- شیخان، محمد. (۱۴۰۰). احاله مسئولیت مقابله با ایران به رژیم صهیونیستی در خلیج فارس قابل دسترسی در: <https://farsnews.ir/news/14000809000017>
- عباسی خوشکار، امیر. (۱۳۹۹/۶/۳۱). صادرات تسلیحات جمهوری اسلامی ایران؛ فرصت ها و ظرفیت ها، قابل دسترسی در: <https://csr.ir/fa/news/1063>
- عسکری کرمانی، محمد؛ معین آبادی بیدگلی، حسین. (۱۴۰۰). بررسی مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا و شناخت ائتلاف ها و تهدیدها با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه. مطالعات بیداری اسلامی. ۱۰(۲۰). ۱۲۷-۱۴۸.
- فتحی، محمد جواد؛ عیوضی، محمد رحیم؛ پیرانی، شهره. (۱۴۰۱). چشم انداز خروج آمریکا از غرب آسیا در پرتو سیاست راهبردی منطقه ای. ژئوپلیتیک. ۱۸(۲). ۱۷۴-۲۲۴.
- محمدپور، علی؛ عطار، محمد امین. (۱۳۹۶). توزیع فضایی پایگاه های نظامی آمریکا در آسیای مرکزی و منطقه غرب آسیا. مطالعات اوراسیای مرکزی. ۱۰(۲). ۳۷۷-۳۹۴.
- مرشایمر، جان. (۱۳۹۸). تراژدی سیاست قدرت های بزرگ. ترجمه غلامعلی چگینی. تهران؛ وزارت امور خارجه.

- نوری، علیرضا. (۱۳۹۸). مفاهیم مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و آمریکا، تاثیر و پیامدها برای ایران. سیاست جهانی. ۲۸(۲)، ۲۹۰-۲۴۷.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۹). نقش قدرتهای بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش های هژمونی آمریکا. روابط خارجی. ۶(۲)، ۷-۴۷.
- وزیربان، امیر حسین؛ گل محمدی، ولی؛ علیزاده، علی. (۱۴۰۰). ارزیابی نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمطراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا. راهبرد دفاعی. ۱۹(۷۴)، ۸۷-۱۱۴.
- هاشم پور، پیروز؛ حقیقی، علی محمد؛ زارعی، غفار. (۱۴۰۰). هویت بخشی انقلاب اسلامی ایران به محور مقاومت اسلامی (مطالعه موردی؛ حزب الله لبنان). سپهر سیاست. ۸(۲۷)، ۳۱-۶۴.
- یزدانپناه درو، کیومرث، بهادر زارعی و رضا رحیمی. (۱۳۹۷). بررسی عوامل ژئوپلیتیکی تمایل آمریکا به شکل گیری ائتلاف نظامی عربی در خلیج فارس و آثار آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران. ژئوپلیتیک. ۱۴(۵۰)، ۸۳-۱۰۸.
- یوسفی راد، ابراهیم؛ بزرگمهری، مجید. (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی دولت‌های دمکرات و جمهوری خواه آمریکا در قبال ایران (۲۰۰۱-۲۰۲۰). سیاست خارجی. ۳۵(۱)، ۱۱۵-۱۴۵.
- Entessar, N., Afrasiabi, K. (2019). *Trump and Iran: From Containment to Confrontation*. New York & London: Lexington Books
- Guirguis, D. (2011). *Egypt after the Revolution: an Early Assessment*, Washington: Institute for Near East Policy.
- Hajjar, L. (2021). *Courting conflict: the Israeli military court system in the West Bank and Gaza* (Illustrated ed). University of California Press.
- Ibish, H. (2020). The U.S. and Iran Inch toward Confrontation in Iraq, "Bloomberg, April 7, 2020. Available at: <https://www.bloomberg.com/opinion/articles/2020-04-07/the-u-s-and-iran-are-inching-toward-confrontation-in-iraq>
- Иванов, О. (2018). Стратегии сдерживания в политике США. Журнал Observer-Обозреватель. 8-(343): 12-24.
- Kam, E. (2012). *The Axis of Evil in Action: Iranian Support for Syria*. INSS Insight, No. 372, 1-3.
- Katz, B. (2018). Axis Rising, Irans Evolving Regional Strategy And Non-State Partnerships in The Middle East. *CSIS: Center For Strategic & International Studies*.
- Kennan, George F. (1947). The Sources of Soviet Conduct. *Foreign Affairs Magazine*. 25(4): 566-582
- Missile Threat. (2020). *Missiles of Iran*. CSIS Missile Defense Project, Retrieved from <https://missilethreat.csis.org/country/iran/>
- Salamé, G. (2019). Remarks of SRSG Ghassan Salamé to the United Nations Security Council on the situation in Libya 29 July 2019. Available at: <https://unsmil.unmissions.org/remarks-srsg-ghassan>
- Shapiro, A. (2010). The Obama Administration's Approach to U.S - Israel Security Cooperation: Preserving Israel's Qualitative Military Edge. *Saban Center for Middle East Policy*, July 16.
- Sipri. (2020). TRENDS IN INTERNATIONAL ARMS TRANSFERS 2019. Access Date: March: https://www.sipri.org/sites/default/files/2020-03/fs_2003_at_2019.pdf Sipri. (2020). USA and France dramatically increase major arms exports; Saudi A

- Smyth, P., Michetti., Daneils, O. (2017). Revolution Unveiled: A closer look at Iran's presence and influence in The Middle East. *Atlantic council*.September14.
- Soufan, A. (2018). Qassem Soleimani and Iran's Unique Regional Strategy. *Combating Terrorism Center*, November, Volume 11, Issue 10.
- Stratfor Worldview. (2018). The Missile Arsenal at the Heart of the Israeli-Iranian Rivalry. Retrieved from <https://worldview.stratfor.com/article/missile-arsenal-heart-israeli-iranian-rivalry>
- Tabatabai, A., Clarke, C. (2019). *Iran's Proxies Are More Powerful Than Ever*, *Foreign Policy*. October 16, 2019. Available at:<https://foreignpolicy.com/2019/10/16/irans-proxies-hezbollah-houthis-trump-maximum-pressure>
- The National Security Strategy of the United States of America, 2017.
- Wezeman, p., kuimova, A., fleurant, A., da silva, D., tian, N., wezeman, S. (2020). TRENDS IN INTERNATIONAL. ARMS TRANSFERS, 2019. *SIPRI*. Access Date: March: https://www.sipri.org/sites/default/files/2020-03/fs_2003_at_2019.pdf.
- Wright, R. (2022). The Looming Threat of a Nuclear Crisis with Iran at: <https://www.newyorker.com/magazine/2022/01/03/the-looming-threat-of-a-nuclear-crisis-with-iran>

